

بررسی تاثیر مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران

مهدی فدائی *

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۰۹

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی نقش و تاثیر مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در توسعه اقتصاد اسلامی در ایران از دیدگاه کارشناسان اقتصادی می‌باشد. روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی است و جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی و کارشناسان ارشد و دکتری تخصصی و پژوهشگران اقتصاد در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در ایران می‌باشد که جمعاً ۲۶۴۸ نفر در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بودند. در تعیین حجم نمونه از فرمول کرجسی و مورگان استفاده گردید که بر این اساس تعداد نمونه ۳۳۶ نفر به روش طبقه‌ای منظم و به صورت تصادفی انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که شامل ۴۱ سوال بسته پاسخ با طیف لیکرت در سه محور تنظیم گردید. ضریب پایایی در مطالعه مقدماتی از طریق شاخص آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۴۹ محاسبه شد و روایی پرسشنامه از طریق ارائه نظرات اساتید و کارشناسان اقتصاد اسلامی سنجش گردید. تجزیه تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام گردید. در بخش آمار توصیفی از میانگین، واریانس و در بخش استنباطی از روش تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. مؤلفه‌های اثرگذار در گویه‌های سه محور «آموزش‌های عمومی»، «آموزش‌های تخصصی» و «روش پژوهش» مورد تحلیل قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های تحقیق از بین سه مؤلفه مورد بررسی، «برگزاری کارگاه‌های آموزشی فقه معاملات و اخلاق بازار قبل از صدور مجوز فعالیت اقتصادی»، «برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز پژوهشی در جهان»، «توسعه رشته‌های تلفیقی حوزه و دانشگاه»، «تدوین و تالیف کتاب روش تحقیق در اقتصاد اسلامی» و «برگزاری کنفرانس‌ها و همایش‌ها در حوزه اقتصاد اسلامی» به ترتیب در هر محور دارای بیشترین میانگین بودند.

واژگان کلیدی

اقتصاد اسلامی، آموزش‌های عمومی، آموزش‌های تخصصی، روش پژوهش، تحلیل واریانس چند متغیره

از جمله مهمترین رسالت‌های نظام اقتصادی اسلامی تغییر وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب اسلامی است. اهتمام به اقتصاد اسلامی به لحاظ یک نظام و علم، از اوایل قرن بیستم میلادی و در اوج تحولات جدید تغییرات گوناگون پا به عرصه وجود گذاشته است و بعد از آنکه مدتی از جنگ جهانی دوم گذشت، سرزمین‌های اسلامی یکی بعد از دیگری استقلال سیاسی خود را به دست آورده و به دنبال دستیابی به استقلال اقتصادی بودند (مصطفوی، ۱۳۸۷). یکی از عوامل مهم اسلامی نبودن اقتصاد ایران، نبود نظریه‌ای مدون درباره اقتصاد اسلامی است. گرچه در چند دهه گذشته، کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی در حوزه نظری و در موضوعات گوناگون اقتصاد اسلامی نگاشته شده، با وجود این، تا طراحی مدل اجرایی و راهبردهای عملی در بیشتر حوزه‌های اقتصاد، جهت ارائه به برنامه‌ریزان اقتصادی کشور، فاصله بسیاری وجود دارد. رسیدن به این هدف، مستلزم برنامه‌ریزی جدی درباره اقتصاد اسلامی، در دو حوزه آموزش و پژوهش است. متأسفانه پژوهش در این زمینه، گرفتار دور باطل شده است؛ بدین معنا که به لحاظ فقدان مدل‌های آماده قابل ارائه، سرمایه‌گذاری جدی روی آن انجام نمی‌شود و همین نیز سبب می‌شود که پژوهش اقتصاد اسلامی با کندی صورت گیرد. در زمینه آموزش نیز همین معضل وجود دارد، نبود تقاضا برای فارغ التحصیلان اقتصاد اسلامی، انگیزه جهت اقبال به این رشته را کاهش داده و خروجی کم در این رشته نیز کاهش تقاضا را سبب شده، ضمن اینکه تحقیق درباره اقتصاد اسلامی را نیز با چالش مواجه ساخته است؛ بنابراین، خروج از این دور، نیازمند دورنگری و شجاعت درباره سرمایه‌گذاری لازم در اینباره است (فراهانی فرد، ۱۳۸۴، ص ۵).

از یک طرف نیاز به الگوهای اقتصادی و از طرف دیگر فقدان وجود مدل‌های کاربردی قابل اجرا و قابل عرضه اسلامی در جامعه، انگیزه‌های گسترش آموزش علم اقتصاد رویکرد اسلامی را فراهم نمود. یکی از اهداف انقلاب بزرگ اسلامی ایران، گسترش و نهادینه‌سازی اصول و مبانی اسلام در عرصه‌های گوناگون و انطباق و سازگار کردن کارکرد نظام‌های مختلف جامعه با موازین شرع و فقه اسلامی بود. بررسی تاریخی این هدف نشان می‌دهد که از جمله نظام‌هایی که تحول و مهندسی مجدد در

آن بر مبنای اصول اسلامی ضروری به نظر آمده، نظام اقتصادی جامعه است که نخستین گام عملیاتی آن، تدوین قانون بانکداری اسلامی در سال ۱۳۶۲ بود. تدوین این قانون به مثابه پیش‌درآمدی برای ورود به اقتصاد اسلامی در عرصه عمل، تصویب و ابلاغ شد. در حوزه‌های دیگر نظام اقتصادی، ضرورت بازنگری، تجدید نظر و انطباق قوانین و مقررات (پولی، مالی، معاملاتی و ...) با موازین شرعی مدنظر قرار گرفت. بدیهی است که چنین تحول شگرف و گسترده‌ای، نیازمند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و نظارت مستمر در عرصه‌های علمی و اجرایی به ویژه از طرف مراکز تولید علم و دانشگاه‌ها بود (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴). در بدو پیروزی انقلاب اسلامی، چنین به نظر می‌رسید که «نظام اقتصادی» جامعه باید بیش از عرصه‌های دیگر تحت تأثیر تحولات اسلامی و ارزشی قرار گیرد؛ اما امروز با گذشت سه دهه به رغم دگرگونی‌های گسترده در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نظام اقتصادی جامعه، تا حدود زیادی بر مبنای ساختار سنتی خود عمل می‌کند و سیاست‌های اقتصادی و رویکردهای کلان نظام اقتصادی در زمینه بانکداری، بیمه، تجارت، مالکیت و ... سایه سنگین مبانی و نظریه‌های اقتصاد متعارف را بر سر دارد و تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌ها بر مبنای اصول و مبانی اقتصاد لیبرالیسم یا دست‌کم اقتصاد متعارف شکل گرفته و رویکردهای اقتصادی پیش از اینکه از مبانی و اصول اقتصاد اسلامی متأثر باشند، تحت تأثیر مشخصه‌های تعدیل‌شده آموزه‌های اقتصاد متعارف قرار دارد.

اگر چه علل متعددی برای ناکامی در اجرا و توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در محافل آکادمیک و اجرایی در ایران ذکر شده است (عیوضلو و میسمی، ۱۳۸۷، ص ۴؛ دادگر، ۱۳۸۴، ص ۵؛ کریمی، ۱۳۸۳، ص ۳؛ پوریزدان پرست، ۱۳۸۳، ص ۲۷؛ نتاج امیری، ۱۳۸۳، ص ۱۲) لیکن می‌توان دلیل ناکامی را از زوایای گوناگون بررسی کرد. رسالت و مأموریت نظام آموزش (عمومی و تخصصی) و پژوهش اقتصاد در تولید و گسترش دانش در عرصه‌های جدید و تلاش برای سازگاری دانش متعارف با ضرورت‌ها و الزامات نو از جمله عناصری است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین مسأله مورد نظر داشته باشد.

روند شکل‌گیری دانش اقتصاد در جهان و انتقال این دانش به ایران در کنار روند بومی‌سازی دانش اقتصاد در مراکز علمی و دانشگاهی و قدرت درک و استنباط مراکز حوزوی و دانشگاهی از تازه‌های دانش اقتصاد از یکسو و انطباق آن با تحولات اقتصاد ایران و فرایند تولید علم اقتصاد در ایران همراه با شکاف تولید دانش اقتصاد در ایران با مرزهای دانش از سوی دیگر، از جمله عناصری هستند که هر یک به نوعی می‌توانند در ترسیم علل تعامل یا ناسازگاری دانش اقتصاد متعارف در ایران با اقتصاد اسلامی و ناکامی فرایند تولید دانش اقتصاد در ایران در جهت بسترسازی لازم برای نظریه‌سازی و در نهایت اجرای اقتصاد اسلامی تأثیرگذار باشند؛ البته وضعیت خاص دانشگاه‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و کمبود استادان مجرب در این زمینه را نیز نباید در تبیین وضع موجود مباحث اقتصاد اسلامی از نظر دور داشت (نظر پور، ۱۳۸۷، ص ۵). مقاله حاضر با هدف شناسایی دیدگاه کارشناسان اقتصادی به بررسی تاثیر مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در ترویج آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران پرداخته است.

۱. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی و از نوع پیمایشی است؛ جامعه آماری پژوهش، کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، کارشناسان ارشد، دکترای تخصصی و پژوهشگران اقتصاد در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در ایران می‌باشد که بر اساس اطلاعات دفتر آمار وزارت علوم تحقیقات و فناوری جمعاً ۲۶۴۸ نفر در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ بودند. در تعیین حجم نمونه از فرمول کرجسی و مورگان (Krejcie and Morgan, 1970, P.607) با نسبت جمعیت ۰/۵ و درجه دقت ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده گردید که بر این اساس تعداد نمونه ۳۳۶ نفر به روش طبقه‌ای منظم و به صورت تصادفی انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده که شامل ۴۱ سوال بسته پاسخ با طیف لیکرت^۱ و مبتنی بر فرضیات در سه محور (آموزش‌های عمومی، آموزش‌های تخصصی و اصلاح روش پژوهش) با پایایی ۰/۹۴۹ تنظیم گردید. در طرح پرسشنامه و در تدوین مؤلفه‌ها و گویه‌ها از منابع کتابخانه‌ای و نظر متخصصان حوزه اقتصاد اسلامی استفاده گردیده است. مبتنی بر هدف اصلی تحقیق فرضیه ویژه عبارت

است از: از منظر کارشناسان، مؤلفه‌های آموزش‌های عمومی، آموزش‌های تخصصی و اصلاح روش پژوهش رابطه معناداری با توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی دارد. در این پژوهش تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی از مشخصه‌های آماری نظیر میانگین، درصد فراوانی و... برای متغیرهای دموگرافیک و گویه‌های مورد استفاده قرار گرفته است. در سطح استنباطی، از روش «تحلیل واریانس چند متغیری» یا مانوا^۲ استفاده گردیده که در این روش تحلیل چند متغیر وابسته به بیان پیچیدگی یک سازه روان‌شناختی می‌پردازد.

۲. ادبیات و پیشینه تحقیق

از جمله مشکلات فعلی نظام آموزشی اقتصاد در ایران این است که از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در حوزه‌های مختلف اقتصاد اسلامی و همچنین اقتصاد ایران انجام شده است هیچ استفاده‌ای نمی‌کند؛ به عبارتی رابطه بین نظام آموزش و پژوهش علم اقتصاد تقریباً به طور کامل قطع می‌باشد؛ این در حالی است که نظام آموزش در هر اقتصادی وظیفه تربیت پژوهشگران و اقتصاددانان را بر عهده داشته و در عین حال از نتیجه عملکرد آن‌ها به منظور تقویت خود بهره می‌برد (درخشان، ۱۳۸۱، ص ۳) و شاید به همین دلیل است که برنامه درسی آموزش اقتصاد در کشورهای پیشرفته دارای تغییرات گسترده است (میسمی و عیوضلو، ۱۳۸۸، ص ۲۹). تحقیق در زمینه نقش آموزش و پژوهش در توسعه آموزه‌های اقتصاد با رویکرد اسلامی در ایران محدود به مطالعاتی است که طی دو دهه اخیر در زمینه وضعیت چگونگی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی توسط اندیشمندان اخیر در حوزه و دانشگاه شده است.

از لحاظ تاریخی زمینه شکل‌گیری اولین گروه اقتصاد در ایران به سال ۱۳۳۴ در شیراز و پس از آن در سال ۱۳۳۹ در دانشگاه شهید بهشتی و به دنبال آن دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها در سال ۱۳۴۵ بر می‌گردد که با برنامه‌ریزی آموزشی واحد (با شیوه آمریکائی) در اکثر دانشگاه‌های کشور توسعه یافت (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۶). به دنبال انقلاب فرهنگی در اوایل دهه شصت و تلاش جهت بازنگری سرفصل رشته‌های علوم انسانی و از جمله اقتصاد، مطالبی در کنار اقتصاد متعارف با نظرات فقهی - اسلامی با

موضوعات اقتصادی اضافه شد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۵) که البته نتوانست تاثیر چندانی بر اسلامی کردن اقتصاد بگذارد و البته چند درس جدید همچون مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، نظام‌های اقتصادی صدر اسلام و بانکداری اسلامی به سرفصل‌ها اضافه شد (نظرپور، ۱۳۸۴، ص ۶).

با عنایت به اینکه علم اقتصاد اسلامی علمی نوپا بوده و طی سده‌های اخیر نیز به دلیل وجود پارادیم‌های غالب اقتصاد متعارف لیبرالیسم و کلاسیک و همچنین تدریس انبوه کتب ترجمه‌ای یا تالیفی اساتید با ادبیات اقتصاد متعارف (پوریزدان پرست، ۱۳۸۳، ص ۶) نتوانسته است جایگاه خود را مطابق آنچه که شأن این علم است پیدا کند، لذا اکثر مطالعات کاربردی محدود به دهه‌های اخیر می‌گردد که به برخی از مطالعات انجام شده در این خصوص به طور اختصار می‌توان اشاره کرد:

بر اساس نظر درخشان (۱۳۸۱) پژوهشگران و اقتصاددانان رکن اصلی نظام پژوهشی اقتصاد هستند که خود حاصل نظام آموزشی اقتصادند. بنابراین نظام آموزشی اقتصاد، نیاز اصلی نظام پژوهشی یعنی پژوهشگران و اقتصاددانان را تربیت می‌کند اما در عین حال از نتیجه نظام پژوهشی، یعنی تولید دانش اقتصاد، تغذیه می‌شود. بقای نظام پژوهشی، وابسته به توفیق نظام آموزشی است و حیات نظام آموزشی، به پویایی نظام پژوهشی، وابسته است.

مشیری (۱۳۸۱) مروری بر مسیر تحولات اقتصاد کلان از بدو تولد تا کنون داشته و آثار این تحولات را در نظام آموزش و پژوهش این رشته بررسی کرده سپس وضعیت آموزش و پژوهش اقتصاد کلان در دانشگاه‌های ایران طی دو دهه اخیر را در مقایسه با سایر کشورهای جهان، از دو بعد مفاهیم و روش‌ها تحلیل نموده و نشان می‌دهد که ایران یک مصرف‌کننده دانش اقتصاد بوده و با پیشرفت علم این وقفه و مصرف‌گرایی بیشتر شده است.

از نظر احمدی (۱۳۸۲) نظام پژوهش علم اقتصاد (و در نتیجه اقتصاد اسلامی) ارتباط تنگاتنگی با نظام آموزش دارد. در واقع این آموزش‌ها هستند که به طرح سوال و انجام طرح انجامیده و از نتایج این پژوهش‌ها در تقویت آموزش استفاده می‌شود.

پوریزدان پرست (۱۳۸۳) بر این عقیده است که نظام آموزش و اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی تغییر چندانی نداشته و مشکلات این نظام را در پنج عنوان مطرح کرده است که عبارتند از: ارتباط نداشتن آموزه‌های علم اقتصاد با اعتقادات اسلامی؛ بیگانگی آموزه‌های علم اقتصاد از واقعیات جامعه ایرانی؛ ترجمه گرائی و دور بودن از مرزهای دانش علم اقتصاد؛ بی‌توجهی آموزه‌های علم اقتصاد به روابط ناعادلانه حاکم بر اقتصاد و بی‌توجهی آموزه‌های علم اقتصاد به اصول مدیریتی اقتصادی و نقش دولت. مصباحی مقدم (۱۳۸۳) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی آموزش اقتصاد پول و بانکداری در ایران» به بررسی وضعیت آموزشی تخصصی بانکداری بدون ربا در دو سطح برنامه مراکز آموزشی و کتاب‌های مرتبط با موضوع پرداخته و چشم اندازی از وضع موجود در دانشگاه‌های کشور در این زمینه ارائه نموده است.

احمدی (۱۳۸۴) به تحلیل چالش‌های موجود نظام آموزش اقتصاد اسلامی پرداخته است و بیان نموده که نظام آموزشی اقتصاد ایران تا کنون شاهد ظهور چهار نسل دانش آموختگان اقتصاد بوده است و شناخت اجمالی توانایی‌ها و رویکردهای آنان در جایگاه خود می‌تواند توضیح دهنده بخشی از علل حاشیه‌ای بودن یا انزوای اقتصاد اسلامی، در نظام آموزش رسمی کشور باشد. عوامل بیرونی همچون تصمیمات سیاست‌گذاران و نظام عرضه و تقاضای اقتصاد اسلامی نیز از سایر علل مورد اشاره در این مطالعه است.

صدیقی (۱۳۸۴) در کتاب خود تحت عنوان «آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی» در شش فصل به مبانی اقتصاد اسلامی از دیدگاه خرد، کلان، بخش عمومی، بین‌الملل، توسعه و پول و بانکداری پرداخته است. وی در این کتاب به نقطه اصلی افتراق اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف (تحلیل نئو کلاسیک) یعنی «فرضیه حداکثر کردن» پرداخته و تفاوت‌های نظام اقتصادی اسلام را در این خصوص بیان کرده است.

یوسفی (۱۳۸۵) در مقاله خود به بررسی «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی» پرداخته است. به نظر این محقق اقتصاد اسلامی، هرگونه روشی در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی به تصور و برداشت محقق (هر چند اجمالی) از مفهوم قلمرو اقتصاد اسلامی بستگی، و در این راستا ابتدا برداشت و تصور مدعیان این روش‌ها از

اقتصاد اسلامی و قلمرو آن‌ها را مطرح و سپس هر یک از این روش‌ها را با مبانی فقه شیعه تطبیق نموده است.

عیوضلو (۱۳۸۶) در بخشی از مطالعه خود تحت عنوان «اقتصاد اسلامی از نظر تا عمل» به بررسی برخی از چالش‌های اقتصاد اسلامی از دیدگاه نظری و تطبیقی پرداخته است. از نظر وی جایگاه والای حوزه‌های علمیه در ایران و تأثیرگذاری نگرش‌ها و روش‌های حوزوی در استنباط امور دینی و اظهار نظر تخصصی و نیز شکل‌گیری نظام اقتصادی مبتنی بر آموزه‌ها و قوانین شرعی در دوره پس از انقلاب به عنوان دو جنبه مهم در شکل‌گیری ادبیات اقتصاد اسلامی در ایران تأثیر گذار بوده است.

احمدی و وفایی (۱۳۸۷) برای بررسی دقیق میزان کارآمدی نظام پژوهش اقتصاد اسلامی در امر نوآوری و تولید دانش و سرانجام میزان عقب ماندگی علمی در کشور از تولید دانش جهانی اقتصاد، به بررسی و ارزیابی نظام پژوهش اقتصاد اسلامی و نظام آموزشی اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند.

سید نورانی و تاری (۱۳۸۷) در مطالعه خود به تحلیل ضرورت اصلاح آموزشی اقتصاد اسلامی پرداخته و در ادامه با ارائه تجربه دانشگاه‌های اسلامی برخی کشورها پیشنهاد ارائه دو درس «اقتصاد اسلامی ۱ و ۲» و یا «اصول اقتصاد اسلامی» و «بانکداری اسلامی» در دانشگاه‌ها نموده‌اند.

کهندل (۱۳۸۷) در مطالعه خود تحت عنوان بستر فرهنگ‌سازی و تبیین هنجارهای رفتاری در قلمرو علوم اقتصاد اسلامی، شیوه‌های تولید و رشد دانش را حمایت از تحقیقات علمی پایه، انگیزه‌های شخصی برای تحقیق، توسعه و اختراعات، فرصت‌های بدیل برای افراد با استعداد و فراگیری با انجام کار معرفی نموده، سپس در ادامه به کارهای صورت گرفته جهت بسترسازی هنجارها در علوم اقتصادی اسلام در ایران پرداخته و مهمترین آن‌ها را تغییرات صورت گرفته در ترکیب دروس و سرفصل دروس دانسته است.

مصطفوی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «آسیب شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی» که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است به جمع‌بندی دیدگاه‌های موجود در مورد مشکلات آموزشی و پژوهشی در حوزه اقتصاد اسلامی در چهار محور

عملکرد دولت، دانشجویان، اساتید و عرضه و تقاضای خدمات آموزشی و پژوهشی در اقتصاد اسلامی پرداخته است.

از یک طرف نظریور (۱۳۸۷) مشکلات نظام آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی را در تمایل کم استادان برای تدریس دروس اقتصاد اسلامی و فقدان متون غنی در این حوزه می‌داند؛ و از طرف دیگر به دلیل ضعف سیستم آموزشی و برنامه ریزی علم اقتصاد در ایران و عدم آشنائی استادان با متدولوژی و فلسفه اقتصاد نگاه پوزیتیو صرف به اقتصاد داشته و موجب سطحی نگری دانش آموختگان شده است (نجفی، ۱۳۸۷). مسأله سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی دوره‌های آموزشی از جمله مشکلات دیگری است که به دشواری‌های مسیر توسعه اقتصاد اسلامی اضافه شده و حسینی (۱۳۸۷) به آن پرداخته است.

عمر چپرا (Chapra, 1996) در فصل دوازدهم از کتاب خود تحت عنوان «اسلام و چالش‌های اقتصادی» به بررسی چالش‌های کشورهای اسلامی در خصوص راهبردهای سکولار سرمایه داری، سوسیالیسم و دولت رفاه و عدم تعادلات اقتصاد کلان و بخش خارجی پرداخته است. او علت شکست نظام‌های سکولار سرمایه داری و این قبیل نظام‌های اقتصادی را عدم پابندی افراد به اولویت‌های اجتماعی در بهره برداری از منابع می‌داند. وی در ادامه تصریح داشته که در صورتی که آموزه‌های اسلامی در چارچوب اقتصادی آموزش داده نشود، جامعه هرگز نمی‌تواند در از بین بردن عدم تعادل‌های اقتصادی و تحقق توسعه مورد نظر اسلام موفق باشد.

الزرقا (Anas Zarqa, 2003) در مقاله خود تحت عنوان «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش» به امکان سنجی صفت اسلامی دادن به علم اقتصاد پرداخته است. وی در این مقاله به بیان ارزش‌های مورد استفاده علم اقتصاد پرداخته و بیان داشته که اگر بتوان این ارزش‌ها را با ارزش‌های اسلامی جایگزین نمود و به مقولات وصفی اقتصاد که تا کنون به دست آمده مقولات یاد شده را افزود، می‌توان علم اقتصاد اسلامی داشت. میراخور (Mirakhor, 2007) در مطالعه‌ای تحت عنوان یادداشتی بر اقتصاد اسلامی، به استناد آیات قرآن کریم و برخی منابع شیعی به بررسی جوانب این نظام در مقایسه با اقتصاد متعارف پرداخته و در نهایت بر ضرورت توسعه رشته اقتصاد اسلامی در

دانشگاه‌ها تاکید دارد. بر اساس دیدگاه وی علیرغم توزیع وسیع ثروت در جوامع مسلمانان در جهان، میزان بورسیه و حمایت‌های مالی جهت ادامه تحصیل در رشته اقتصاد اسلامی بسیار اندک است.

کاید (Kayed, 2008) در مقاله خود تحت عنوان ایجاد پل بین آموزش و پژوهش در اقتصاد اسلامی به بررسی ادبیات مربوط به چگونگی تاثیرگذاری متقابل آموزش و پژوهش و نقش اساتید و سرفصل‌ها در این رشته پرداخته و در نهایت پیشنهاد کرده است که بازنگری و ایجاد حلقه منطقی بین آموزش، پژوهش و سرفصل‌های درسی می‌تواند اثرات جایگزین^۳ موجود را بهبود بخشد.

امین و همکاران (Amin & et al, 2009) در مطالعه‌ای توصیفی پیمایشی در دانشگاه الصباح مالزی به بررسی علل و انگیزه‌های گرایش دانشجویان مقطع کارشناسی به ثبت نام در رشته مالیه (حسابداری) اسلامی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داده که از بین عوامل مورد بررسی انگیزه شخصی و اطلاعات در مورد رشته تحصیلی بیشترین تاثیر را در گرایش به ثبت نام و تحصیل در این رشته داشته است. مطالعات دیگری نیز به طور پراکنده پیرامون اهمیت آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی انجام شده است، لیکن هیچکدام تحلیلی از نقش مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران از دیدگاه کارشناسان این رشته نداشته است.

۳. مؤلفه‌های آموزش و پژوهش

پس از مشخص شدن نسبت کارشناسان زن و مرد به روش طبقه‌ای منظم به نسبت تعداد تفکیک و در هر بخش (کارشناسی ارشد و دکتری) به صورت تصادفی نمونه گیری انجام گردید. در ادامه مؤلفه‌های آسیب شناسی آموزش و پژوهش در سه محور تقسیم بندی گردید و هر یک از این مؤلفه‌ها به گویه‌های جزئی‌تر تفکیک شد که این مؤلفه‌ها عبارتند از: ۱. آموزش‌های عمومی (شامل آموزش و پرورش، فضای مجازی سایر و...); ۲. آموزش‌های تخصصی (شامل دانشگاه و حوزه‌های علمیه) و ۳. روش پژوهش (شامل روش شناسی، منابع پژوهشی و...).

جدول ۱. توزیع سوالات پرسشنامه بر حسب اهداف پژوهش

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	تعداد سوالات	شماره سوالات
آموزش‌های عمومی	آموزش و پرورش فضای مجازی سایر سایر	۱۱	۱ الی ۱۱
آموزش‌های تخصصی	دانشگاه حوزه‌های علمیه	۱۹	۱۲ الی ۳۰
روش پژوهش	روش شناسی منابع پژوهشی سایر	۱۱	۳۱ الی ۴۱

۴. روائی و پایایی ابزار

روائی صورتی^۴ پرسشنامه از طریق اساتید و متخصصان حوزه اقتصاد اسلامی مورد تأیید قرار گرفت.^۵ پس از تأیید روائی صورتی تعداد ۴۰ عدد پرسشنامه جهت انجام پیش‌آزمون تهیه شد و سپس از ۳۰ نفر دانشجوی تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکتری) و ۱۰ نفر عضو هیات علمی و پژوهشگر اقتصاد در دانشگاه نظر سنجی شد. جهت انجام پایایی^۶ از اطلاعات پیش‌آزمون، آلفای کرونباخ استخراج شده که قبل از حذف سوالات اضافی آلفای بدست آمده ۰/۹۱ و بدست آمده و پس از حذف سئوالات اضافی نهایتاً آلفای بدست آمده با ۴۱ گویه با مقدار ۰/۹۴۹ تأیید قرار گرفت. جهت بررسی اعتبار سازه‌ای، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

جدول ۲. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی اعتبار سازه‌ای پرسشنامه

	H ₁	H ₂	H ₃
H ₁	۱	۰/۶۴۵	۰/۶۴۲
H ₂	۰/۶۴۵	۱	۰/۷۴۲
H ₃	۰/۶۳۲	۰/۷۱۴	۱

H₁ = مؤلفه «آموزش‌های عمومی»؛ H₂ = مؤلفه «آموزش‌های تخصصی»؛ H₃ = مؤلفه «روش تحقیق».

جدول ۳. توزیع نمونه بر حسب جنسیت و مدرک تحصیلی

جنسیت	فراوانی	درصد	رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
زن	۲۱۹	۶۵/۱	کارشناسی ارشد	۲۷۸	۸۲/۷
مرد	۱۱۷	۳۴/۹	دکترای تخصصی	۵۸	۱۷/۸
جمع	۳۳۶	۱۰۰	جمع	۳۳۶	۱۰۰

۵. یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های جدول ۴ از بین سه سوال اول (مؤلفه آموزش و پرورش) بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به سوال ۲ یعنی «اضافه نمودن یک درس در سرفصل‌های درسی دبیرستان تحت عنوان مبانی اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۴۸ و کمترین میانگین مربوط به سوال ۳، «بازنگری در سرفصل‌های دروس اسلامی دبیرستان و هنرستان با لحاظ مبانی نظام اقتصادی اسلام» با میانگین ۳/۴۱ بوده است. از بین گویه‌های ۴ الی ۸ (مؤلفه فضای مجازی سایبر) از منظر کارشناسان، سوال شماره ۶ «برگزاری مناظره‌های علمی بین کارشناسان اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف توسط صدا و سیما» بیشترین و سوال شماره ۴ «ساخت و تولید فیلم‌های انیمیشن و کارتون جهت انتقال آموزه‌های اقتصاد اسلامی به کودکان» کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از بین سایر گویه‌های مربوط به آموزش عمومی، سوال شماره ۱۱ «برگزاری کارگاه‌های آموزشی قبل از صدور پروانه کسب و مجوز فعالیت‌های اقتصادی» با میانگین ۳/۹۲ بیشترین و سوال ۸ «استفاده از اینترنت (ایجاد وب سایت، فروم و وبلاگ) جهت آموزش عمومی مبانی اقتصادی نظام اسلامی» کمترین تأثیرگذاری را در توسعه آموزش‌های اقتصاد اسلامی در حوزه آموزش‌های عمومی جامعه دارد. به نظر می‌رسد عدم شناخت کافی مردم با مبانی اقتصاد اسلامی و مفهوم آموزه‌های موجود در این حوزه، ضرورت توسعه آموزش‌های عمومی را دوچندان کرده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد پاسخ سوال‌های مربوط به مؤلفه‌های «آموزش‌های عمومی» در حوزه اقتصاد اسلامی

میانگین	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	مؤلفه آموزش‌های عمومی	
۳/۴۷	۸۱	۱۰۷	۷۹	۲۷	۴۲	۱. اشراف معلمان آموزش و پرورش بر مبانی نظام اقتصادی اسلام	آموزش و پرورش
	۲۴/۱	۳۱/۸	۲۳/۵	۸	۱۲/۵	درصد	
۳/۴۸	۶۸	۱۱۳	۹۰	۴۵	۲۰	۲. اضافه نمودن یک درس در سرفصل‌های درسی دبیرستان و هنرستان تحت عنوان (مبانی اقتصاد اسلامی)	آموزش و پرورش
	۲۰/۲	۳۳/۶	۲۶/۸	۱۳/۴	۶	درصد	
۳/۴۱	۹۵	۸۳	۷۳	۳۵	۵۰	۳. بازنگری در سرفصل‌های دروس اسلامی دبیرستان و هنرستان با لحاظ مبانی نظام اقتصادی اسلام	آموزش و پرورش
	۲۸/۳	۲۴/۷	۲۱/۷	۱۰/۴	۱۴/۹	درصد	
۳/۲۳	۷۶	۸۱	۸۰	۴۲	۵۷	۴. ساخت و تولید فیلم‌های انیمیشن و کارتون جهت انتقال آموزه‌های اقتصاد اسلامی به کودکان	فصلی مجازی سایر
	۲۲/۶	۲۴/۱	۲۳/۸	۱۲/۵	۱۷	درصد	
۳/۵۸	۸۰	۱۱۲	۹۴	۲۵	۲۵	۵. ساخت و تولید سریال‌های تلویزیونی با محوریت انتقال مفاهیم آموزه‌های نظام اقتصادی اسلام	فصلی مجازی سایر
	۲۳/۸	۳۳/۳	۲۸	۷/۴	۷/۴	درصد	
۳/۷۳	۹۹	۱۰۵	۸۹	۲۹	۱۴	۶. برگزاری مناظره‌های علمی بین کارشناسان اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف توسط صدا و سیما	فصلی مجازی سایر
	۲۹/۵	۳۱/۳	۲۶/۹	۸/۶	۴/۲	درصد	
۳/۴۳	۷۳	۹۳	۱۰۳	۴۱	۲۶	۷. ارائه الگوهای موفق فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر آموزه‌های اقتصاد اسلامی توسط صدا و سیما	فصلی مجازی سایر
	۲۱/۷	۲۷/۷	۳۰/۷	۱۲/۲	۷/۷	درصد	
۳/۶۳	۸۸	۱۱۱	۸۲	۳۴	۲۱	۸. استفاده از اینترنت (ایجاد وب سایت، فروم و وبلاگ) جهت آموزش عمومی مبانی اقتصادی نظام اسلامی	فصلی مجازی سایر
	۲۶/۲	۳۳	۲۴/۴	۱۰/۱	۶/۳	درصد	
۳/۷۸	۱۱۴	۹۷	۷۹	۳۱	۱۵	۹. آموزش مبانی و آموزه‌های اقتصادی اسلام از طریق روزنامه‌ها (به صورت سلسله مباحث آموزشی)	فصلی مجازی سایر
	۳۳/۹	۲۸/۹	۲۳/۵	۹/۲	۴/۵	درصد	
۳/۶۸	۱۰۲	۱۰۵	۷۵	۲۹	۲۵	۱۰. هدفمند کردن سخنرانی‌ها و وعظ و روحانیون در جلسات سخنرانی در جهت روشنگری و آموزش مردم	فصلی مجازی سایر
	۳۰/۴	۳۱/۳	۲۲/۳	۸/۶	۷/۴	درصد	
۳/۹۲	۱۳۵	۱۰۰	۵۸	۲۸	۱۵	۱۱. برگزاری کارگاه‌های آموزش «فقه معاملات» و «اخلاق در بازار» قبل از صدور پروانه کسب و مجوز فعالیت‌های اقتصادی	فصلی مجازی سایر
	۴۰/۲	۲۹/۸	۳/۱۷	۸/۳	۴/۵	درصد	

بر اساس یافته‌های جدول ۵ از بین شانزده سوال اول (مؤلفه دانشگاه) بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به سوال شماره ۲۰ «برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در جهان» با میانگین ۳/۸۱ و کمترین میانگین مربوط به سوال شماره ۱۹ «تدریس دروس اقتصاد اسلامی توسط اساتید گروه معارف و اقتصاد به صورت مشترک» با میانگین ۳/۰۶ بوده است. از بین گویه‌های ۲۸ الی ۳۰ (مؤلفه حوزه‌های علمیه) از منظر کارشناسان، سوال شماره ۲۸ «توسعه رشته‌های تلفیقی (حوزه و دانشگاه) همچون دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه رضوی و...» بیشترین و سوال ۲۹ «جذب و آموزش طلاب در رشته اقتصاد با رویکرد اسلامی» کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. پس از سوال ۲۰، گویه‌های ۲۱ و ۲۲ به ترتیب «استعداد سنجی دانشجویان رشته اقتصاد قبل از ورود به مقاطع کارشناسی ارشد» و «تاسیس و توسعه فراگیر رشته‌های اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی در مقطع کارشناسی» دارای بیشترین میانگین در توسعه آموزش تخصصی اقتصاد اسلامی در دانشگاه‌ها هستند.

جدول ۵. توزیع فراوانی و درصد پاسخ سوال‌های مربوط به مؤلفه‌های «آموزش‌های تخصصی» در حوزه اقتصاد اسلامی

میانگین	سوال زیاد	رتبه	مؤلفه	نمره	سوال کم	فراوانی	مؤلفه: آموزش‌های تخصصی
۳/۵۱	۸۱	۱۰۰	۹۱	۳۸	۲۶	فراوانی	۱۲. آشنائی و تسلط اساتید اقتصاد به متون فقهی اسلامی
	۲۴/۱	۲۹/۸	۲۷/۱	۱۱/۳	۷/۷	درصد	
۳/۳۸	۸۵	۸۳	۹۱	۳۱	۴۶	فراوانی	۱۳. اضافه نمودن یک درس در سرفصل‌های کلیه رشته‌ها تحت عنوان (مبانی اقتصاد اسلامی)
	۲۵/۳	۲۴/۷	۲۷/۱	۹/۲	۱۳/۷	درصد	
۳/۳۲	۷۰	۸۷	۹۶	۴۶	۳۷	فراوانی	۱۴. بازنگری در سرفصل‌های دروس معارف اسلامی با لحاظ مبانی نظام اقتصادی اسلام
	۲۰/۸	۲۵/۹	۲۸/۶	۱۳/۷	۱۱	درصد	
۳/۱۵	۶۰	۷۷	۹۶	۶۰	۴۳	فراوانی	۱۵. تسلط اساتید اقتصاد به زبان‌های عربی و انگلیسی
	۱۷/۹	۲۲/۹	۲۸/۶	۱۷/۹	۱۲/۸	درصد	
۳/۲۱	۵۲	۱۰۳	۷۷	۷۱	۳۳	فراوانی	۱۶. دعوت از اساتید ایرانی مقیم خارج از کشور جهت سخنرانی و تحلیل مبانی نظام اقتصاد متعارف
	۱۵/۵	۳۰/۷	۲۲/۹	۲۱/۱	۹/۸	درصد	

بررسی تاثیر مولفه‌های آموزش و پژوهش در توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران ۱۰۷

۲۰/۳	۶۳	۷۶	۱۰۳	۵۴	۴۰	فراوانی	۱۷. دعوت از اساتید خارجی متخصص و صاحب نظر در اقتصاد اسلامی
	۱۸/۸	۲۲/۶	۳۰/۷	۱۶/۱	۱۱/۹	درصد	
۳/۲۱	۵۹	۷۷	۱۰۸	۶۲	۳۰	فراوانی	۱۸. اصلاح روش تدریس دروس اقتصادی
	۱۷/۶	۲۲/۹	۳۲/۱	۱۸/۵	۸/۹	درصد	
۳/۰۶	۵۲	۷۹	۱۰۰	۴۹	۵۶	فراوانی	۱۹. تدریس دروس اقتصاد اسلامی توسط اساتید گروه معارف و اقتصاد به صورت مشترک
	۱۵/۵	۲۳/۵	۲۹/۸	۱۴/۶	۱۶/۷	درصد	
۳/۸۱	۱۱۱	۱۱۲	۷۱	۲۱	۲۱	فراوانی	۲۰. برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در جهان
	۳۳	۳۳/۳	۲۱/۱	۶/۳	۶/۳	درصد	
۳/۷۹	۹۸	۱۳۲	۶۱	۲۷	۱۸	فراوانی	۲۱. استعداد سنجی دانشجویان رشته اقتصاد قبل از ورود به مقاطع کارشناسی ارشد
	۲۹/۲	۳۹/۳	۱۸/۲	۸	۵/۴	درصد	
۳/۶۰	۸۷	۱۰۹	۸۸	۲۴	۲۸	فراوانی	۲۲. تاسیس و توسعه فراگیر رشته‌های «اقتصاد اسلامی» و «بانکداری اسلامی» در مقطع کارشناسی
	۲۵/۹	۳۲/۴	۲۶/۲	۷/۱	۸/۳	درصد	
۳/۲۳	۵۲	۱۰۴	۹۳	۴۳	۴۴	فراوانی	۲۳. بازنگری در سرفصل‌های دروس اقتصادی دانشگاه‌ها در مقطع کارشناسی بر مبنای آموزه‌های اسلامی
	۱۵/۵	۳۱	۲۷/۷	۱۲/۸	۱۳/۱	درصد	
۳/۱۸	۶۶	۸۱	۹۲	۴۳	۵۴	فراوانی	۲۴. انتقال مباحث تطبیقی اقتصاد متعارف از مقطع کارشناسی به کارشناسی ارشد
	۱۹/۶	۲۴/۱	۲۷/۴	۱۲/۸	۱۶/۱	درصد	
۳/۴۳	۷۴	۹۷	۹۳	۴۶	۲۶	فراوانی	۲۵. اصلاح ساختار تشکیلاتی و ایجاد بخش «مطالعات اسلامی» در دانشکده‌های اقتصاد
	۲۲	۲۸/۹	۲۷/۷	۱۳/۷	۷/۷	درصد	
۳/۴۷	۹۴	۹۳	۷۰	۳۵	۴۴	فراوانی	۲۶. هدایت و حمایت مالی دولت به سمت پروژه‌های تحقیقاتی اقتصاد اسلامی
	۲۸	۲۷/۷	۲۰/۸	۱۰/۴	۱۳/۱	درصد	
۳/۲۵	۶۰	۹۱	۱۰۰	۴۲	۴۳	فراوانی	۲۷. محدود کردن تدریس کتب ترجمه شده آموزه‌های اقتصاد متعارف در دانشکده‌های اقتصاد
	۱۷/۹	۲۷/۱	۲۹/۸	۱۲/۵	۱۲/۸	درصد	
۳/۷۲	۹۵	۱۱۸	۷۹	۲۳	۲۱	فراوانی	۲۸. توسعه رشته‌های تلفیقی (حوزه و دانشگاه) همچون دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه رضوی و ...
	۲۸/۳	۳۵/۱	۲۳/۵	۶/۸	۶/۳	درصد	
۳/۲۷	۵۶	۸۹	۱۱۴	۴۵	۳۲	فراوانی	۲۹. جذب و آموزش طلاب در رشته اقتصاد با رویکرد اسلامی
	۱۶/۷	۲۶/۵	۳۳/۹	۱۳/۴	۹/۵	درصد	
۳/۳۷	۸۵	۷۸	۹۱	۳۹	۴۳	فراوانی	۳۰. تدوین دوره‌های تخصصی اقتصاد اسلامی و برگزاری مشترک این دوره‌ها با دانشگاه‌ها
	۲۵/۳	۲۳/۲	۲۷/۱	۱۱/۶	۱۲/۸	درصد	

بر اساس یافته‌های جدول ۶ از بین سه سوال اول (مؤلفه روش‌شناسی) بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به سوال شماره ۳۳ «تدوین و تالیف کتاب روش تحقیق در اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۶۱ و کمترین میانگین مربوط به سوال شماره ۳۱ «آشنائی پژوهشگران با روش‌شناسی پژوهش در اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۴۱ بوده است. از بین گویه‌های ۳۴ الی ۳۸ (مؤلفه منابع پژوهشی) از منظر کارشناسان، سوال ۳۵ «برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی در حوزه اقتصاد اسلامی» بیشترین میانگین و سوال ۳۷ «حمایت دولت از چاپ تولیدات علمی (کتاب) در حوزه اقتصاد اسلامی» کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از بین سایر گویه‌های مربوط به اصلاح روش پژوهش، سوال شماره ۴۱ «اجرای پژوهش‌های مشترک با اساتید دنیای اسلام در قلمرو اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۵۸ بیشترین و سوال ۳۹ «توسعه پژوهشکده‌های اقتصاد اسلامی با محورهای مطالعاتی تخصصی مختلف» با میانگین ۳/۴۴ کمترین تأثیرگذاری را در توسعه پژوهش‌های اقتصاد اسلامی دارد.

جدول ۶. توزیع فراوانی و درصد پاسخ سوال‌های مربوط به مؤلفه‌های «روش پژوهش» در حوزه اقتصاد اسلامی

میانگین	تعداد زیاد	تعداد	مجموع	ن	نسبت ن	مؤلفه: اصلاح روش پژوهش	
						فراوانی	درصد
۳/۴۱	۶۷	۹۹	۱۰۸	۳۰	۳۲	فراوانی	۳۱. آشنائی پژوهشگران با روش‌شناسی پژوهش در اقتصاد اسلامی
	۱۹/۹	۲۹/۵	۳۲/۱	۸/۹	۹/۵	درصد	
۳/۳۷	۵۸	۱۱۹	۸۱	۴۴	۳۴	فراوانی	۳۲. تقویت روحیه پژوهشگری دانشجویان از طریق بازدید از پژوهشکده‌های تخصصی
	۱۷/۳	۳۵/۴	۲۴/۱	۱۳/۱	۱۰/۱	درصد	
۳/۶۱	۸۲	۱۱۴	۹۰	۳۰	۲۰	فراوانی	۳۳. تدوین و تالیف کتاب «روش تحقیق در اقتصاد اسلامی»
	۲۴/۴	۳۳/۹	۲۶/۸	۸/۹	۶	درصد	
۳/۴۱	۷۲	۱۰۱	۸۵	۵۰	۲۸	فراوانی	۳۴. برگزاری همایش‌های و کنفرانس‌های بین‌المللی در داخل در حوزه اقتصاد اسلامی
	۲۱/۴	۳۰/۱	۲۵/۳	۱۴/۹	۸/۳	درصد	
۳/۵۷	۸۲	۱۰۸	۸۹	۳۵	۲۲	فراوانی	۳۵. برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی در حوزه اقتصاد اسلامی
	۲۴/۴	۳۲/۱	۲۶/۵	۱۰/۴	۶/۵	درصد	

بررسی تاثیر مولفه‌های آموزش و پژوهش در توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران ۱۰۹

۳/۳۵	۵۷	۹۹	۱۱۲	۴۲	۲۶	فراوانی	۳۶. هدایت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های
	۱۷	۲۹/۵	۳۳/۳	۱۲/۵	۷/۷	درصد	دکتری اقتصاد به سمت موضوعات اسلامی
۳/۳۰	۷۳	۹۱	۸۶	۳۸	۴۸	فراوانی	۳۷. حمایت دولت از چاپ تولیدات علمی (کتاب) در
	۲۱/۷	۳۷/۱	۲۵/۶	۱۱/۳	۱۴/۳	درصد	حوزه اقتصاد اسلامی
۳/۵۲	۶۷	۱۲۶	۸۷	۲۷	۲۹	فراوانی	۳۸. لینک تولیدات و منابع پژوهشی حوزه و دانشگاه
	۱۹/۹	۳۷/۵	۲۵/۹	۸	۸/۶	درصد	به یکدیگر در دانشکده‌های اقتصاد
۳/۴۴	۵۷	۱۲۳	۹۱	۴۰	۲۵	فراوانی	۳۹. توسعه پژوهشکده‌های اقتصاد اسلامی با محورهای
	۱۷	۳۶/۶	۲۷/۱	۱۱/۹	۷/۴	درصد	مطالعاتی تخصصی مختلف
۳/۵۳	۸۶	۱۱۰	۶۷	۴۳	۳۰	فراوانی	۴۰. سفارش پژوهش‌های کاربردی توسط دولت و
	۲۵/۶	۳۲/۷	۱۹/۹	۱۲/۸	۸/۹	درصد	کارگزاران اقتصادی با محوریت اقتصاد اسلامی
۳/۵۸	۹۳	۹۸	۸۱	۴۱	۲۳	فراوانی	۴۱. اجرای پژوهش‌های مشترک با اساتید دنیای اسلام
	۲۷/۷	۲۹/۲	۲۴/۱	۱۲/۲	۶/۸	درصد	در قلمرو اقتصاد اسلامی

۶. یافته‌های استنباطی

بین مؤلفه‌های آموزش و پژوهش و توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی رابطه معنادار وجود دارد. بر اساس یافته‌های جدول ۷ آماره t مشاهده شده از فرضیه اول (۱۲/۹۴) از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر می‌باشد، این بدان معنا است که فرضیه صفر (H_0)، مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین مؤلفه «آموزش‌های عمومی» و رفع چالش‌های توسعه اقتصاد اسلامی رد می‌شود. شاخص میانگین (۳/۵۸) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان، نقش آموزش‌های عمومی در توسعه اقتصاد اسلامی، بیش از سطح متوسط می‌باشد. آماره t مشاهده شده از فرضیه دوم (۸/۶۴) از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر می‌باشد، این بدان معناست که فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین مؤلفه «آموزش‌های تخصصی» و توسعه اقتصاد اسلامی رد می‌شود. شاخص میانگین (۳/۳۷) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان، نقش آموزش‌های تخصصی در گسترش اقتصاد اسلامی، بیش از سطح متوسط می‌باشد. همچنین آماره t مشاهده شده از فرضیه سوم

(۹/۸۸) از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر می‌باشد، این بدان معناست که فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین مؤلفه «اصلاح روش پژوهش» و توسعه اقتصاد اسلامی رد می‌شود. شاخص میانگین (۳/۴۷) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان، نقش اصلاح روش پژوهش در گسترش اقتصاد اسلامی، بیش از سطح متوسط می‌باشد.

جدول ۷. مقایسه میانگین نمره نقش آموزش و پژوهش در توسعه اقتصاد اسلامی از دیدگاه کارشناسان با میانگین فرضی ۳

فرضیات تحقیق	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t
گسترش آموزش‌های عمومی	۳/۵۸	۰/۸۲	۰/۰۴۵	۱۲/۹۴
گسترش آموزش‌های تخصصی	۳/۳۷	۰/۸۰	۰/۰۴۴	۸/۶۴
اصلاح روش پژوهش	۳/۴۷	۰/۸۶	۰/۰۴۷	۹/۸۸
$t^2 = 30.101, F = 15.006 \text{ Sig} = 0.001$				

از میان آماره‌های چهارگانه (بیلائی، ویلکزلامبدا، هتلینگ و ریشه ری) آزمون t^2 هتلینگ^۷ برای محاسبه F انتخاب شد. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری در سه مؤلفه مورد بررسی نشان داد که F بدست آمده در جدول ۷ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده است. بنابراین فرضیه مشابه بودن میانگین جامعه آماری در مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی رد شد؛ لذا می‌توان گفت بین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی توسط آموزش و پژوهش در اقتصاد اسلامی تفاوت وجود دارد.

جدول ۸. مقایسه زوجی دو به دو اختلاف میانگین نمره مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی

مؤلفه	اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره t	
آموزش‌های عمومی	آموزش‌های تخصصی	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱	۵/۴۷
آموزش‌های عمومی	اصلاح روش پژوهش	۰/۱۱۴	۰/۰۰۲	۳/۱۶
آموزش‌های تخصصی	اصلاح روش پژوهش	-۰/۰۸۷	۰/۰۱۶	-۲/۴۱
آماره t بحرانی در سطح معناداری ۵ درصد = ۱/۹۶				

آزمون نمونه‌های زوجی جهت مقایسه دو به دو اختلاف میانگین نمره مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی انجام گرفت. مفهوم این آزمون بررسی وجود تفاوت بین زوج مؤلفه‌ها در مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی است. بر اساس یافته‌های جدول ۸ تفاوت بین مؤلفه‌های «آموزش عمومی» با «آموزش تخصصی»، «آموزش عمومی» با «اصلاح روش پژوهش»، «آموزش تخصصی» با «اصلاح روش پژوهش» معنادار نبوده است. این به این معناست که میانگین هر یک از زوج مؤلفه‌ها در عملکرد توسعه اقتصاد اسلامی مشابه یکدیگر بودند.

جدول ۹. مقایسه میانگین نمره مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی به تفکیک جنسیت

مؤلفه	زن		مرد	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آموزش‌های عمومی	۳/۶۶	۰/۷۶	۳/۴۳	۰/۸۹
آموزش‌های تخصصی	۳/۴۰	۰/۷۸	۳/۳۳	۰/۸۴
اصلاح روش پژوهش	۳/۵۵	۰/۸۰	۳/۳۰	۰/۹۴

بر اساس یافته‌های تحلیل واریانس چند متغیره مانوا F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین بین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی بر حسب جنسیت تفاوت وجود دارد. یعنی نسبت پاسخگویی کارشناسان زن به سوالات پرسشنامه، نسبت به پاسخگویی کارشناسان مرد به پرسشنامه مثبت‌تر بود. به این صورت که در ارتباط با کارشناسان مرد بوده است. بر این اساس نقش آموزش و پژوهش در توسعه اقتصاد اسلامی از دیدگاه کارشناسان زن بیشتر از کارشناسان مرد بوده است.

جدول ۱۰. مقایسه میانگین نمره مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی به تفکیک مدرک تحصیلی

مؤلفه	کارشناسی ارشد		دکترای تخصصی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آموزش‌های عمومی	۳/۷۴	۰/۶۹	۳/۳۳	۰/۹۸
آموزش‌های تخصصی	۳/۴۴	۰/۷۶	۳/۲۷	۰/۸۵
اصلاح روش پژوهش	۳/۶۰	۰/۷۶	۰/۲۵	۰/۹۶

بر اساس یافته‌های تحلیل واریانس چند متغیره مانوا F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین بین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی از دید کارشناسان بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت وجود دارد. بدین معنی که بیشترین میانگین مربوط به کارشناسان مقطع کارشناسی ارشد در ارتباط با سوالات مربوط به مؤلفه‌های «آموزش عمومی» بوده است. کارشناسان مقطع کارشناسی ارشد، بیشترین میانگین پاسخ را به سوالات مربوط به «آموزش عمومی» و کمترین میانگین پاسخگویی به مؤلفه‌های مربوط به آموزش‌های تخصصی می‌باشد. از نظر کارشناسان دوره دکترای تخصصی نیز بیشترین پاسخ مربوط به مولفه آموزش‌های عمومی است.

جدول ۱۱. تحلیل واریانس چند متغیره (مانوا) مقایسه میانگین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی بر حسب عوامل جمعیت شناختی

متغیر	مؤلفه‌ها	F	Eta
جنسیت	آموزش‌های عمومی	۶/۴۱	۰/۱۲۷
	آموزش‌های تخصصی	۰/۴۵۲	۰/۰۳۷
	اصلاح روش پژوهش	۶/۶۰۹	۰/۱۳۹
مدرک تحصیلی	آموزش‌های عمومی	۲/۱۸۷	۰/۲۵۰
	آموزش‌های تخصصی	۳/۶۰۲	۰/۱۰۳
	اصلاح روش پژوهش	۴/۰۲۷	۰/۲۰۱

بر اساس یافته‌های جدول ۱۱، F مشاهده شده در خصوص مؤلفه آموزش‌های تخصصی بر حسب جنسیت در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبوده است. اما F مشاهده شده در خصوص سایر مؤلفه‌ها معنادار بوده است. به این معنا که اطلاعات دموگرافیک و جمعیت شناختی رابطه معناداری با نظر کارشناسان در خصوص مؤلفه‌های آموزش و پژوهش در گسترش و توسعه اقتصاد اسلامی دارد.

جمع بندی

بر اساس یافته‌های تحقیق از بین سه سوال اول (مؤلفه آموزش و پرورش) بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به سوال ۲ «اضافه نمودن یک درس در سرفصل‌های

بررسی تاثیر مولفه‌های آموزش و پژوهش در توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران ۱۱۳

درسی دبیرستان تحت عنوان (مبانی اقتصاد اسلامی)» با میانگین ۳/۴۸ و کمترین میانگین مربوط به سوال ۳ «بازنگری در سرفصل‌های دروس اسلامی دبیرستان و هنرستان با لحاظ مبانی نظام اقتصادی اسلام» با میانگین ۳/۴۱ بوده است. از بین گویه‌های ۴ الی ۸ (مولفه فضای مجازی سایبر) از منظر کارشناسان، سوال شماره ۶ «برگزاری مناظره‌های علمی بین کارشناسان اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف توسط صدا و سیما» بیشترین و سوال شماره ۴ «ساخت و تولید فیلم‌های انیمیشن و کارتون جهت انتقال آموزه‌های اقتصاد اسلامی به کودکان» کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از بین سایر گویه‌های مربوط به آموزش عمومی، سوال شماره ۱۱ «برگزاری کارگاه‌های آموزشی قبل از صدور پروانه کسب و مجوز فعالیت‌های اقتصادی» با میانگین ۳/۹۲ بیشترین و سوال ۸ «استفاده از اینترنت (ایجاد وب سایت، فروم و وبلاگ) جهت آموزش عمومی مبانی اقتصادی نظام اسلامی» کمترین تأثیرگذاری را در توسعه آموزش‌های اقتصاد اسلامی در حوزه آموزش‌های عمومی جامعه دارد.

از بین شانزده سوال اول (مولفه دانشگاه) بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به سوال ۲۰ «برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک با سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در جهان» با میانگین ۳/۸۱ و کمترین میانگین مربوط به سوال شماره ۱۹ «تدریس دروس اقتصاد اسلامی توسط اساتید گروه معارف و اقتصاد به صورت مشترک» با میانگین ۳/۰۶ بوده است. از بین گویه‌های ۲۸ الی ۳۰ (مولفه حوزه‌های علمیه) از منظر کارشناسان، سوال شماره ۲۸ «توسعه رشته‌های تلفیقی (حوزه و دانشگاه) همچون دانشگاه امام صادق(ع)، دانشگاه رضوی و...» بیشترین و سوال شماره ۲۹ «جذب و آموزش طلاب در رشته اقتصاد با رویکرد اسلامی» کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از بین سه سوال اول (مولفه روش‌شناسی) بیشترین میانگین نمره پاسخ‌ها مربوط به سوال شماره ۳۳ «تدوین و تالیف کتاب «روش تحقیق در اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۶۱ و کمترین میانگین مربوط به سوال شماره ۳۱ «آشنائی پژوهشگران با روش‌شناسی پژوهش در اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۴۱ بوده است. از بین گویه‌های ۳۴ الی ۳۸ (مولفه منابع پژوهشی) از منظر کارشناسان، سوال شماره ۳۵ «برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی در حوزه اقتصاد اسلامی» بیشترین میانگین و

سوال شماره ۳۷ «حمایت دولت از چاپ تولیدات علمی (کتاب) در حوزه اقتصاد اسلامی» کمترین میانگین را به خود اختصاص داده است. از بین سایر گویه‌های مربوط به اصلاح روش پژوهش، سوال شماره ۴۱ «اجرای پژوهش‌های مشترک با اساتید دنیای اسلام در قلمرو اقتصاد اسلامی» با میانگین ۳/۵۸ بیشترین و سوال ۳۹ «توسعه پژوهش‌های اقتصاد اسلامی با محورهای مطالعاتی تخصصی مختلف» با میانگین ۳/۴۴ کمترین تأثیرگذاری را در توسعه پژوهش‌های اقتصاد اسلامی دارد.

آماره t مشاهده شده از فرضیه اول (۱۲/۹۴) از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۵ درصد (۱/۹۶) بزرگتر می‌باشد، این بدان معناست که فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین مؤلفه «آموزش‌های عمومی» و رفع چالش‌های توسعه اقتصاد اسلامی رد می‌شود. شاخص میانگین (۳/۵۸) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان، نقش آموزش‌های عمومی در توسعه اقتصاد اسلامی، بیش از سطح متوسط می‌باشد. آماره t مشاهده شده از فرضیه دوم (۸/۶۴) بدان معناست که فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین مؤلفه «آموزش‌های تخصصی» و توسعه اقتصاد اسلامی رد می‌شود. شاخص میانگین (۳/۳۷) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان، نقش آموزش‌های تخصصی در گسترش اقتصاد اسلامی، بیش از سطح متوسط می‌باشد. آماره t مشاهده شده از فرضیه سوم (۹/۸۸) نیز بیان می‌کند که فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه معنی‌دار بین مؤلفه «اصلاح روش پژوهش» و توسعه اقتصاد اسلامی رد می‌شود. شاخص میانگین (۳/۴۷) نشان می‌دهد که از دیدگاه کارشناسان، نقش اصلاح روش پژوهش در گسترش اقتصاد اسلامی، بیش از سطح متوسط می‌باشد. از میان آماره‌های چهارگانه، آزمون t^2 هتلینگ برای محاسبه F انتخاب شد.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری در سه مؤلفه مورد بررسی نشان داد که F به دست آمده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده است. بنابراین فرضیه مشابه بودن میانگین جامعه آماری در مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی رد شد؛ لذا می‌توان گفت بین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی توسط آموزش و پژوهش در اقتصاد اسلامی تفاوت وجود دارد. آزمون نمونه‌های زوجی جهت مقایسه دو به دو اختلاف میانگین نمره مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی نشان داد که تفاوت بین مؤلفه‌های «آموزش عمومی»

با «آموزش تخصصی»، «آموزش عمومی» با «روش پژوهش»، «آموزش تخصصی» با «روش پژوهش» معنادار نبوده است. این به این معناست که میانگین هر یک از زوج مؤلفه‌ها در عملکرد توسعه اقتصاد اسلامی مشابه یکدیگر بودند. بر اساس یافته‌های تحلیل واریانس چند متغیره مانوا F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبوده، بنابراین بین مؤلفه‌های توسعه اقتصاد اسلامی بر حسب جنسیت و مقطع تحصیلی تفاوت وجود دارد.

یادداشت‌ها

۱. قیاس لیکرت یک مقیاس فاصله‌ای است که از آن می‌توان برای سنجش توانائی، حساسیت، عقیده، رضایت، ارزش‌ها و نگرش افراد در موضوعات مختلف استفاده کرد. در این مقیاس، معیار اساسی برای ساختن گویه‌ها، ایده‌آل‌ها و امور مطلوب است (بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱).

2. Multiple Analysis Of Variance (MANOVA)

3. crowding-out

4. face validity

۵. اعتبار صوری این مطلب را مدنظر دارد که سؤال‌های آزمون تا چه حد در ظاهر شبیه به موضوعی هستند که برای اندازه‌گیری آن تهیه شده‌اند. در واقع روایی صوری نمی‌تواند نوعی روایی باشد، بلکه تنها یک ویژگی آزمون است که در پاره‌ای مواقع وجود آن مفید است. در بعضی از آزمون‌ها، اگر آزمون فاقد روایی صوری باشد، آزمون شونده ممکن است علاقه‌ای به جواب دادن سؤال‌های آزمون از خود نشان ندهد (بیابانگرد، ۱۳۸۶، ص ۳۳۷).

6. reliability

7. hoteling

کتابنامه

احمدی، علی محمد (۱۳۸۲)، «ارزیابی دروس اقتصاد اسلامی با تاکید بر دیدگاه مدرسان»، اولین نشست تخصصی مدرسان درس‌های اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس. همو (۱۳۸۴)، «چالش‌های موجود نظام آموزش اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۸.

احمدی، علیرضا؛ وفایی، یگانه (۱۳۸۷)، «بررسی و ارزیابی نظام پژوهش اقتصاد اسلامی»، هفتمین نشست محققان اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶)، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر روان، ج ۱. پوریزدان پرست، محمدهاشم (۱۳۸۳)، «لزوم تحول در آموزه‌های علم اقتصاد»، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۷)، «سرفصل‌ها و برنامه‌های درسی دوره‌های آموزشی»، هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.

دادگر، یداله (۱۳۸۴)، «اصلاح ابعادی از آموزش اقتصاد ایران به مثابه نزدیک شدن به اقتصاد بومی و دینی»، چهارمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس. درخشان، مسعود (۱۳۸۱)، «بررسی تطبیقی نظام آموزش علم اقتصاد در ایران و سایر کشورها»، مجموعه مقالات اولین همایش دستاوردهای آموزشی و پژوهشی علم اقتصاد در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

سید نورانی، سیدمحمدرضا؛ تازی، فتح‌اله (۱۳۸۷)، «ضرورت بازنگری در سرفصل‌ها و عناوین درس اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد (مقطع کارشناسی)»، هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.

صدر، سید کاظم (۱۳۸۲)، «عملکرد آموزش اقتصاد اسلامی در رشته اقتصاد دانشگاه‌ها»، مجموعه مقالات تدریس اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

صدیقی، نجات‌اله (۱۳۸۴)، آموزش علم اقتصاد از دیدگاه اسلامی، ترجمه دکتر محمدرضا شاهرودی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

عیوضلو، حسین و میسمی، حسین (۱۳۸۷)، «بررسی اهمیت و نحوه اتخاذ رویکرد ترکیبی در تدریس علم اقتصاد: راهکارهای عملی برای توسعه اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات همایش اقتصاد اسلامی، تبریز: دانشگاه تبریز.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴)، «گامی به سوی اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۹. کهندل، محمد (۱۳۸۷)، «بسته‌سازی و تبیین هنجارهای رفتاری در قلمرو علوم اقتصادی اسلامی»، مجموعه مقالات نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، تبریز: دانشگاه تبریز.

کریمی، زهرا (۱۳۸۳)، «ارزش کاربردی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد اقتصاد»، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.

- بررسی تاثیر مولفه‌های آموزش و پژوهش در توسعه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در ایران ۱۱۷
- مشیری، سعید (۱۳۸۱)، «مروری بر تحولات آموزش و پژوهش در اقتصاد کلان در جهان و ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۱.
- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۳)، «بررسی آموزش اقتصاد پول و بانکداری در ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۵.
- مصطفوی، سیدمحمدحسن (۱۳۸۷)، «آسیب‌شناسی آموزش و پژوهش اقتصاد اسلامی»، همایش تخصصی اقتصاد اسلامی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- میسمی، حسین و عیوضلو، حسین (۱۳۸۸)، «بررسی ضرورت و نحوه به کارگیری رویکرد تلفیقی در اصلاح نظام آموزش»، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۱.
- نتاج امیری، غلام (۱۳۸۳)، «قدرت تاثیرگذاری توصیه‌های سیاستی منتج از طرح‌های پژوهشی در حل معضلات اقتصادی کشور»، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش و پژوهش علم اقتصاد در ایران، تهران: مرکز تحقیقات اقتصاد ایران.
- نجفی، سیدمحمدباقر (۱۳۸۷)، «ملاحظات پیرامون طرح دانش افزائی اساتید اقتصاد در قلمرو اقتصاد اسلامی»، هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- نظریپور، محمدنقی (۱۳۸۴)، «آزمون‌های تجربی در اقتصاد و کاربرد آن در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۷.
- همو (۱۳۸۷)، «نظام ارزیابی و اصلاح با استفاده از تجارب ارزیابی و عملکردها»، هفتمین نشست تخصصی اقتصاد اسلامی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۵)، «روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲۲.
- Amin, Hanudin; Abdul Rahman, Abdul Rahim; Ramayah, T. (2009); "What makes undergraduate students enroll into an elective course?: The case of Islamic accounting", *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, vol. 2 Issue 4.
- Anas Zarqa, Mohammad, (2003); "Islamization of Economics: The concepts and methodology", *Jornal of King Abdulaziz University*, vol. 16, no.1.
- Kayed, Rasem N. (2008), "Creating Bridge between Research and Education in Islamic Economics", *The 7th International conference in Islamic Economics*, Jeddah: Saudi Arabia.
- Krejcie and Morgan (1970), "Determining sample size for research activities", *Educational and Psychological Measurement*, vol.
- Mirakhor, Abbas (2007), *A note on Islamic economics*, IRTI, IDB.